

همسرگزینی دختران جوان: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی

Mate Choosing Among Young Females: a Conflict Between Individuality and Traditional Values

M. Kermani, Ph.D.

Department of Social Sciences, Ferdowsi University,
Mashhad, Iran

A. R. Asgharpourmasouleh, Ph.D.

Department of Social Sciences, Ferdowsi University,
Mashhad, Iran

Z. Baradarankashani, M. A.

Department of Social Sciences, Ferdowsi University,
Mashhad, Iran

✉ دکتر مهدی کرمانی

گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر احمد رضا اصغرپور ماسوله

گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

زهرا برادران کاشانی

گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

دریافت مقاله: ۹۷/۳/۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۷/۸/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۷/۸/۲۶

Abstract

The change in cultural and social ideals in combination with the evolution of women's social roles definitions have brought an emergent or even a complex situation in the process of marriage for young women. To understand this complexity as the main goal of this research, the deep qualitative approach was used. Therefore, deep semi-structured interviews were held with 15 young women in Mashhad city. The interview scripts were analyzed using grounded theory method. Findings showed that despite the powerful presence of traditional values and beliefs, there was an increase in women's agency.

✉ Corresponding author: Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Dr. Ali Shariati, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
Email: m-kermani@um.ac.ir

چکیده

تغییر در مطلوبیت‌های فرهنگی و اجتماعی در ترکیب با تحول در تعریف نقش زنان در جامعه، شرایطی متفاوت و بعضاً پیچیده برای فرایند همسرگزینی دختران جوان را رقم زده‌است. درک این پیچیدگی به عنوان هدف اصلی در این مطالعه مستلزم بهره‌گیری از روشی ژرفانگر بوده است. بدین منظور پانزده مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با زنان جوان انجام و یافته‌ها با روش نظریه زمینه‌ای تحلیل شد. بر اساس نتایج حاصل شاهد افزایش عاملیت دختران در گزینش همسر علی‌رغم حضور قدرتمند ارزش‌ها و باورهای سنتی هستیم. این واقعیت در قالب مقوله "همسرگزینی: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی" به عنوان پدیده مرکزی صورت‌بندی شد.

✉ نویسنده مسئول: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، گروه علوم اجتماعی
پست الکترونیکی: m-kermani@um.ac.ir

This fact was formulated as a central phenomenon in terms of a category named: "a conflict between individuality and traditional values in the process of choosing mate". Moreover, regarding to causal factors such as "economic and cultural independence", contextual factors such as "intergenerational transmission" and "the revolution in communication patterns", and mediating factors like "education experience of women and their families", young women adopted different mate selecting strategies including the traditional, friendship based or mixed ones which have four different groups of consequences. These consequences have been discussed extensively in this article.

Keywords: Grounded Theory, Individuality, Mate Choosing, Traditional Values, Young Females.

همچنین دختران جوان با توجه به شرایط علی از قبیل استقلال مالی و باورداشت‌های فرهنگی، شرایط زمینه‌ای از جمله تحولات ناظر بر گذار نسل‌ها و تحول در الگوهای ارتباطی و نیز شرایط مداخله‌گری همچون تجارب تحصیلی خود و خانواده شان، راهبردهای مختلفی در گزینش همسر شامل سه سبک سنتی، دوستانه و ترکیبی را اتخاذ می‌کنند که چهار دسته پیامد در پی دارند. این پیامد ها در مقاله به تفصیل مورد بحث قرار گرفته اند.

کلیدواژه‌ها: همسرگزینی، نظریه زمینه‌ای، دختران جوان، فردیت، ارزش‌های سنتی.

مقدمه

جامعه ایران در طول چند دهه گذشته دچار تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی زیادی شده است. این تحولات در گذر نسل‌ها، پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی بسیار مشهود بوده است، بازنمود بخش مهمی از این تغییرات را نیز می‌توان در نهاد خانواده، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی شاهد بود (زاهدی و خضرنژاد^۱، ۱۳۹۲؛ صدرا و قنبری^۲، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۵؛ عبدالملکی، اعظم‌آزاده و قاضی‌نژاد^۳، ۱۳۹۴). بخش دیگری از این تغییر و تحولات در جامعه در حال گذار ایران، ناظر بر فروپاشی ساختارهای سنتی و جمع‌گرا است و در مقابل افزایش سطح تحرکات اجتماعی، ارتباطات جمعی، تعاملات میان فرهنگ‌های متفاوت نیز از جمله اتفاقات مهم دیگری است که در جریان این گذار به وقوع می‌پیوندد. این شرایط نیز تحولات عمیقی در خصایص افراد یک جامعه ایجاد می‌کند، که یکی از این تحولات گذار از جمع‌گرایی و خصوصیات سنتی و در نهایت تحقق فردگرایی است (ذهبی، عالی‌نژاد و فرهمند^۴، ۱۳۹۵؛ اعظم‌آزاده و توکلی^۵، ۱۳۸۶). نهاد خانواده نیز از این تغییرات جدا نبوده‌است. در ارتباط با نهاد خانواده، همسرگزینی را می‌توان به عنوان فرایندی عمدتاً تعامل‌محور در نظر گرفت که بر روی طیفی از ارزش‌ها و قواعد فرهنگی پیش برده می‌شود. یک سوی این طیف حاکمیت رویه‌های سنتی و در سوی دیگر آن جریان قوی از الگوهای مدرن را شاهد هستیم، که عاملیت فرد در گزینش همسر نقطه عطف الگوی اخیر محسوب می‌شود.

شکل غالب الگوی انتخاب همسر به ویژه برای دختران در ایران به صورت مجموعه‌ای از رویه‌ها و سنت‌ها مبتنی بر کسب توافق مابین افراد بزرگسال دارای قیومیت قانونی و عرفی تعریف می‌شود. ضمن این که در عمل کل خانواده و حتی بخش قابل توجهی از نظام خویشاوندی طرفین در آن حدی از دخالت را دارند (آپستلو^۶، ۲۰۰۷؛ برناردز^۷، ۱۳۸۴؛ مکرای، ویلیامسن و بومسما^۸، ۲۰۱۲؛ چراغی و همکاران^۹، ۱۳۹۶). البته این مداخله امروزه و به ویژه در خانواده‌های دارای تحصیلات دانشگاهی، کمتر دیده می‌شود. از سوی دیگر شکل‌های دیگری برای گزینش همسر وجود دارد که دختر و پسر نیز به نسبت‌های مختلف در جریان‌دهی به آن شرکت دارند و در مجموع عاملیت و سطح خود مختاریشان در تصمیمات مرتبط با گزینش همسر بیشتر از الگوهای سنتی رایج است (صادقی‌فسایی و شریفی‌ساعی^{۱۰}، ۱۳۹۰؛ سادات‌مستقیمی^{۱۱}، ۱۳۸۴؛ پناغی و همکاران^{۱۲}، ۱۳۹۵؛ جنادله و رهنما^{۱۳}، ۱۳۹۳). مورد اخیر تا حد زیادی تحت‌تاثیر گذار از خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای، کاهش نظارت والدین بر فرزندان، امکان تصمیم‌گیری‌های فردی برای فرزندان در خانواده، رشد فردگرایی، اهمیت یافتن تحصیلات زنان و امکان اشتغال آنان و به طور کلی بروز و شیوع ارزش‌های مدرن در جامعه، بوده است.

پژوهش‌های مختلف در ارتباط با معیارهای گزینش همسر بر این یافته مهم تاکید داشته‌اند که مردان نسبت به زنان تمایل بالقوه بیشتری برای یافتن جفت دارند، علاوه بر این توانایی اقتصادی و تعهد مردان برای زنان از مولفه‌های مهم در تصمیم‌گیری آنان در امر ازدواج محسوب می‌شود (کازمی‌پور^{۱۴}، ۱۳۸۸؛ عظیمی‌هاشمی، کاری، بیگناه و رضامنش^{۱۵}، ۱۳۹۴). همچنین زنان و مردان معمولاً تمایل دارند در وضعیت برابر نژادی ازدواج کنند. شریک ایده‌آل از منظر زنان دارای ویژگی‌هایی از قبیل عفت، تقوا، مذهب، تحصیلات، ویژگی‌های مثبت خانوادگی، منابع مالی، شغل، تعهد، مهارت‌های اجتماعی و نجابت است و از نظر مردان نیز همسر ایده‌آل دارای ظاهر فیزیکی مطلوب، عفت، تحصیلات، ویژگی‌های مثبت خانوادگی، تقوا، مذهب، صفات خوب شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، انجام کارهای منزل، تعهد و منابع مالی می‌باشد. (به عنوان مثال رجوع شود به: خالد^{۱۶}، ۲۰۰۵؛ فو^{۱۷}، ۲۰۰۶؛ سامانی^{۱۸}، ۲۰۰۷؛ فورنهام^{۱۹}، ۲۰۰۹؛ سامانی و ریان^{۲۰}، ۲۰۰۸؛ گیمایر، آکسین، یابیکو و تورنتون^{۲۱}، ۲۰۰۶).

دسته دیگری از مطالعات این حوزه به نقش موثر خانواده در انتخاب همسر و همچنین به ارائه مدل‌هایی برای تصمیم‌گیری و نظام ترجیحات و ساختار مشکلات زنان و مردان در انتخاب همسر و تاثیر تحولات اجتماعی بر این امر پرداخته‌اند (اصغرپورماسوله، کرمانی و برادران کاشانی^{۲۲}، ۱۳۹۶؛ نوغانی‌دخت‌بهمنی، صدیق‌اوری و سالار^{۲۳}، ۱۳۹۲). نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که عدم آمادگی برای ازدواج، بی‌اطلاعی و در مواردی اطلاعات متناقض از فردی که می‌خواهند، با او ازدواج کنند و در نهایت فقدان انگیزه در زندگی مشترک، از جمله مشکلاتی است که جوانان در فرایند تصمیم به گزینش با آن مواجه می‌شوند (آزادارمکی و خزایی^{۲۴}، ۱۳۷۹؛ رفاهی، گودرزی و میرزایی چهارراهی^{۲۵}، ۱۳۹۱؛ حاله، ماکویی و دباغی^{۲۶}، ۱۳۸۶؛ شیلو و شیفر^{۲۷}، ۲۰۰۳؛ مکرای، ویلیامسن و بومسما، ۲۰۱۲؛ آلدورف و گیما^{۲۸}، ۲۰۱۳؛ کورتیوکس و لایگنون^{۲۹}، ۲۰۱۶).

بخش دیگری از تحقیقات حوزه خانواده که به طور خاص به پدیده همسرگزینی یا انتخاب همسر می‌پردازند، رویکرد روانشناختی به پدیده همسرگزینی دارند، بر اساس این مطالعات تعاملات زوجین با

خانواده‌ها و حضور خانواده‌ها در فرایند گزینش همسر برای فرزندان تاثیر به‌سزایی در سازگاری زناشویی بعد از ازدواج دختر و پسر با یکدیگر دارد. از این رو خانواده‌ها نقش مهمی در کیفیت زندگی زناشویی زوجین ایفا می‌کنند. علاوه بر این پدر و مادر نه تنها در انتخاب همسر بلکه در تنظیم روابط جنسی زن و مرد بعد از ازدواج و بچه‌دار شدن آنان نیز تاثیرگذار هستند. در همین راستا بسیاری از جوانان تمایل به گزینش همسری مانند والدین خود دارند (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی و صادقی^{۳۰}، ۱۳۹۴؛ آپوستلو، ۲۰۰۷؛ چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی، صادقی و سلمانی، ۱۳۹۶).

همچنین یافته‌های مطالعه‌ای دیگر (شریفی درآمدی، نیکنام و گیوه‌چی^{۳۱}، ۱۳۹۰) نشان داد که کمال‌گرایی، فردگرایی و داشتن استانداردهای بالا برای گزینش همسر در میان دخترانی که در الگوهای کمتر سنتی، با حداقل نقش خانواده و حداکثر عاملیت خود اقدام به گزینش همسر و ازدواج می‌کنند، به مراتب بیشتر است. بر این اساس می‌توان ادعان داشت که الگوی سابقا متعارف خانواده ایرانی که ناظر بر همسرگزینی مبتنی بر موافقت والدین، عمومیت ازدواج در سنین پایین و مواردی از این قبیل بوده، تا حد زیادی تحت‌تاثیر فروپاشی ساختارهای سنتی جامعه ایرانی، متحول شده است. فروپاشی مذکور متاثر از گذار خانواده گسترده و مردم‌محور به خانواده هسته‌ای و متوازن، افزایش سن ازدواج، رشد فردگرایی، ارتقای سطح خودمختاری فرزندان و شیوع ارزش‌های مدرن در جامعه همچون ارزشمند شدن تحصیلات دانشگاهی و اهمیت‌یابی اشتغال بوده‌است. در نتیجه الگوهای جدیدی از گزینش همسر ظهور یافته‌اند که نشان از بروز ارزش‌های پسامدرن در برخی خانواده‌ها دارند (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳؛ پناغی، زاده محمدی، باقیان، پاکدامن، احمدآبادی و محمدی، ۱۳۹۵؛ مدیری و مهدوی^{۳۲}، ۱۳۹۴).

بر اساس نظریات حوزه همسرگزینی نیز، پدیده همسری، متضمن زندگی مشترک، روابط نزدیک و نسبتا پایدار گاه دو (تک‌همسری)^{۳۳} و گاه چند نفر (چندهمسری)^{۳۴} به صورت انحصاری است. رابطه بین این افراد متفاوت و متنوع است. این روابط ممکن است کوتاه مدت یا بلند مدت باشد و ممکن است به لحاظ فرهنگی یا اجتماعی به منزله ازدواج تصویب شود (برناردز ۱۳۸۴: ۲۲۱؛ مینگ‌تسای^{۳۵}، ۲۰۰۳). از این رو ایجاد زندگی مشترک، معمولا متضمن گذر از مراحل چون دوستی، آشنایی، رفاقت، تجرد، همباشی، نامزدی و ازدواج است (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۲۱). گذر از این مراحل در ایران برای گزینش همسر بیشتر ناظر به سبک رومانیتیک یا دوستانه در ازدواج است (اصغرپورماسوله، کرمانی و برادران کاشانی، ۱۳۹۶). اما در جوامع سنتی‌تر، غالبا پدر و مادر هستند که درباره ازدواج فرزندان خود تصمیم می‌گیرند (برناردز، ۱۳۸۴: ۲۲۲). این مورد نیز ناظر بر گزینش همسر به سبک سنتی در خانواده‌های ایرانی است که پدر و مادر در مراحل مختلف گزینش همسر نقش فعالی دارند و بر تمامی مراحل آن نظارت دارند.

در هر حال فرایند انتخاب همسر در جوامع مختلف بر روی زمینه ارزشی نسبتا مستحکمی جریان می‌یابد. بر اساس نظریه اینگلهارت، ارزش‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند، ارزش‌های مادی که مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد است و مستقیما با حیات مادی او ارتباط دارد و در مقابل ارزش‌های فرامادی که همسو با ارزش‌های فزاینده انسان است (صدرا و قنبری، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۵). گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن بدون تغییر اجتماعی، آن هم در حوزه ارزش‌ها، امری ناممکن و گریز ناپذیر است (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲).

چنین ادعایی طبیعتاً در ارتباط با امر ازدواج نیز به دلیل سهم عمده فرهنگ در شکل‌دهی به ماهیت درونی و فرایندهای عینی آن، موضوعیت دارد.

از منظر دیگر جهت‌گیری کلان ارزشی در فرهنگ‌های سنتی معطوف به جمع‌گرایی و در فرهنگ‌های مدرن معطوف به فردگرایی است. در فرهنگ‌های جمع‌گرا، افراد احساس می‌کنند به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر عمیقی دارند، و در فرهنگ‌های فردگرا خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد (هوفسند^{۳۴}، ۱۱۶:۱۳۸۷). در نظریه انتخاب عقلانی نیز انسان موجود منفعت‌جو است که برای افزایش منافعتش کنش عقلانی دارد و محاسبه عقلانی می‌کند، یعنی در واقع کنش‌گر کنشی را انتخاب می‌کند، که حداکثر فایده را برای او دارد (کلمن^{۳۷}، ۱۳۷۷). خانواده نیز اگر چه به عنوان یک واحد جمعی اجتماعی مطرح است، اما عملاً شکل‌گیری آن تحت‌تاثیر ترکیبی از منفعت‌جویی‌های فردی و ملاحظات معطوف به مصالح جمعی است.

در واقع در دورانی که جامعه ایران در حال گذر از سنت به مدرنیته است، کاهش نظارت والدین بر فرزندان، اهمیت یافتن تحصیلات زنان و اشتغال آنان، امکان تصمیم‌گیری‌های فردی برای فرزندان در خانواده به عنوان یکی از ملزومات فرهنگ مدرن و رشد فردگرایی، زمینه‌ساز گرایش به سوی الگوی‌هایی از همسرگزینی است که در آن‌ها تمایلات و عاملیت فردی تا حد زیادی افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر تحقیقات و مطالعات مختلف نشان‌دهنده این مهم هستند که نوعی آشفتگی و ابهام در مسیر تحولات رخ داده در نهاد خانواده و از جمله الگوهای همسرگزینی در ایران در طول سال‌های اخیر به وجود آمده است (به عنوان مثال، مراجعه شود به: نوغانی‌دخت‌بهمنی، صدیق‌اورعی و سالار، ۱۳۹۲؛ موحد و شوازی^{۳۸}، ۱۳۸۵؛ شجاعی جشوقانی، احمدی، جزایری و اعتمادی^{۳۹}، ۱۳۹۶). این موضوع به ویژه برای دختران جوانی که سابقه ازدواج قبلی نداشته‌اند، با توجه به حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی ریشه‌دار و بسیار قوی در جامعه ایران، حائز اهمیت مضاعفی است.

به طور کلی تجربه محققان مختلف ناظر بر کارآمدی بالاتر پژوهش‌های کیفی در بررسی و مطالعه موضوعات دارای حساسیت و نیز درجه ابهام بالا بوده است (افتخارزاده^{۴۰}، ۱۳۹۴؛ صنعتی‌شرقی و رستم‌زاده^{۴۱}، ۱۳۹۵؛ مهدوی و مشیدی^{۴۲}، ۱۳۸۹؛ اصغرپورماسوله، کرمانی و برادران‌کاشانی، ۱۳۹۶). همسرگزینی نیز به عنوان پدیده‌ای با ماهیت چند سطحی و پیچیده که در پیوند با زمینه‌های کلان‌تر و عمیق‌تر فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته، نمونه قابل‌اعتنایی از چنین موضوعاتی است. به عبارت دیگر مجموعه در هم تنیده‌ای از شرایط و عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فرایند همسرگزینی را احاطه کرده‌اند که در نتیجه آن عاملان اجتماعی امکان اتخاذ راهبردهای مختلفی نسبت به آن را دارند. این راهبردها نیز به‌نوبه خود، متاثر از شرایط زمینه‌ای و پیرامونی پدیده مورد نظر هستند. از این رو برای داشتن دریافتی منسجم از پدیده همسرگزینی، شرایط ناظر بر آن، راهبردهای عاملان اجتماعی ذی‌نفع و پیامدهای این پدیده می‌بایست، نگرشی جامع و ژرف‌انگر نسبت به پدیده همسرگزینی در پیش گرفت. بنابر آنچه گفته شد در این مطالعه تلاش شده است تا با رویکردی کیفی به بازشناسی و تئوریزه ساختن تجربه زیسته دختران جوان پیرامون پدیده همسرگزینی و ادراک ایشان از شرایط حاکم بر این پدیده، استراتژی‌های اتخاذ شده در قبال آن و پیامدهای آن بر زندگی ایشان پرداخته شود. بنابراین سوالات اصلی محققان در این تحقیق بدین قرار خواهد بود:

- راهبردهای اصلی همسرگزینی در بین دختران جوان کدام است؟
- شرایط حاکم بر هر یک الگوهای همسرگزینی و پیامدهای هر یک از آنها برای عاملان اجتماعی مورد نظر چه بوده است؟
- تجربه دختران جوان از فرایند همسرگزینی را در قالب چه پدیده مفهومی کلانی می‌توان صورت‌بندی کرد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد بررسی این پژوهش دختران جوان شهر مشهد بوده‌اند. با توجه به کیفی بودن تحقیق حجم نمونه از قبل تعیین نشده، بلکه در فرایند جمع‌آوری اطلاعات با رسیدن به درجه اشباع تعیین شده‌است. براین اساس با پانزده نفر از دختران جوان مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. دراین تحقیق نمونه نیز با راهبرد ترکیبی از حداکثر تنوع و از طریق نمونه‌گیری موارد در دسترس و گلوله‌برفی انجام شده‌است.

تکنیک گردآوری داده‌ها و فرایند اجرای پژوهش

تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته بوده است. در فرایند گردآوری داده‌ها نیز از زنان جوان متاهل که در دسترس محقق بوده‌اند، به صورت شفاهی درخواست مصاحبه شده و با جلب رضایت آنان، مصاحبه‌هایی حول محور راهبردهای گزینش همسر انجام شده‌است. همچنین مصاحبه‌ها توسط محقق این پژوهش انجام شده و بازه زمانی مصاحبه‌های مذکور به طور میانگین ۹۰ دقیقه بوده است. روش مصاحبه‌ای که در این پژوهش اتخاذ شده‌است، مصاحبه‌ی مسئله محور بوده، این روش با استفاده از راهنمای مصاحبه حاوی سوال‌ها و محرک‌های شفاهی می‌باشد و با صورت‌بندی پرسش‌ها و نحوه‌ی کندوکاو در حین مصاحبه به روند تحقیقات کیفی کمک می‌کند (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۷۹). در گام بعد مصاحبه‌ها به متن تبدیل شد و بعد از ورود اطلاعات به نرم افزار مکس کیودی‌ای متن مصاحبه‌ها به روش نظریه زمینه‌ای تحلیل و بررسی شد.

در خصوص نحوه گزینش نمونه جهت انجام مصاحبه، در مطالعه کیفی حاضر، پژوهشگر با کسانی مصاحبه کرده است که با پدیده مورد بررسی پیوند عمیقی داشته‌اند، پدیده مذکور را تجربه کرده‌اند و از سوی دیگر توانایی و تمایل به بیان تجربه زیسته خود را نیز دارا بوده‌اند. همچنین سوالات مصاحبه به سه بخش عمده شامل، سوالات مربوط به ویژگی‌های دموگرافیک و زمینه‌ای دختران جوان، سوالات مربوط به پدیده همسرگزینی و تجربیات دختران جوان از هر خواستگار در طی زندگی‌شان تا زمان گزینش همسر و سوالات مربوط به معیارهای دختران جوان و خانواده‌های ایشان در فرایند گزینش همسر، تقسیم می‌شوند.

ملاحظات اخلاقی

در این مطالعه جهت انجام ملاحظات اخلاقی و حفظ ناشناس ماندن، شرکت‌کنندگان، به هر شرکت‌کننده در جدول مشخصات نامی مستعار داده شد. همچنین مصاحبه‌شوندگان به میل خود در این مطالعه شرکت کرده‌اند. علاوه بر این در ابتدای این مطالعه، محققان به مصاحبه‌شوندگان جهت امنیت داده‌ها و محرمانه بودن اطلاعات، اطمینان خاطر داده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها

نظریه زمینه‌ای نوعی روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به محقق این امکان را می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین نظریه اقدام کنند. در این مطالعه جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل مقایسه مداوم استراوس و کوربین^{۴۴} (۲۰۰۸) شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است. هدف از این مراحل سه گانه کدگذاری تبدیل مفاهیم و مضامین انضمامی موجود در متن به مقولات انتزاعی از طریق روندی پیوسته از طبقه بندی و نظم دهی مفاهیم در جهت ترسیم بستر مفهومی منسجمی برای برآمدن نظریه زمینه‌ای تحقیق است (فیلیک، ۱۳۹۲: ۲-۳).

این روش با مطالعه‌ای بنیادین پیرامون موضوع تحقیق آغاز شده و با تحلیل و نظریه‌ای مستخرج از مقایسه مداوم داده‌ها به اتمام می‌رسد (چارماز و لیسکا^{۴۵}، ۲۰۱۵؛ چارماز و هن وود^{۴۶}، ۲۰۰۷). از نظر چارماز کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری هسته‌ای، فقط یک ابزار برای کشف نظریه است. در واقع باید از کدگذاری خطی شروع کرد، تا محقق با متن درگیر شود و تعامل کند، و از توصیف فراتر رود، و در این راستا به قرائت عمیق‌تر و تحلیلی‌تری از متن برسد. کدگذاری خطی به محقق کمک می‌کند تا ارتباط بین کدها و سطح تجزیه و تحلیل و نظریه در حال ظهور خود را بیابد. کدگذاری خطی گام اول در فرایند تحلیل است و البته مولد است. بنابراین کدگذاری‌های سه گانه استراوس و کوربین (۲۰۰۸) گام مهمی برای پیشبرد نظریه و تجزیه و تحلیل است.

در طی کدگذاری محقق باید از افعال ساده کوتاه و تحلیلی استفاده کند و کدهای خود را دسته‌بندی کند. نکته مهم این است بعد از کدگذاری، محقق بتواند، آن‌ها را دسته‌بندی کند و نظریه خود را نیز استخراج کند. هدف از این مراحل سه‌گانه کدگذاری تبدیل مفاهیم و مضامین انضمامی موجود در متن به مقولات تحلیلی و انتزاعی از طریق روندی پیوسته از طبقه بندی، مقایسه مداوم و نظم‌دهی مفاهیم در جهت ترسیم بستر مفهومی منسجمی برای برآمدن نظریه زمینه‌ای تحقیق و اثبات داده‌های تحقیق است. در نهایت از این فرایند یک روایت منسجم مستخرج خواهد شد که این روایت حاصل مقایسه مداوم کدها و داده‌های کدگذاری شده با یکدیگر در طی فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری است.

شرح مراحل کدگذاری

- کدگذاری باز: بنا به تعریف ارائه شده از سوی استراوس و کوربین کدگذاری باز روندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم مشخص و خصوصیات و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود (استراوس و کوربین، ۲۰۰۸: ۱۰۱).
- کدگذاری محوری: دومین مرحله از فرایند پیشنهادی از سوی استراوس و کوربین (۲۰۰۸) است که طی آن از طریق مرتبط ساختن مقوله‌های فرعی، بر مبنای خصیصه‌ها و ابعاد آن‌ها در سطوح مختلف، مقولات اصلی شکل می‌گیرند. این فرایند بدان جهت محوری نام‌گذاری شده‌است که کدها حول محور مفهومی مقوله اصلی جای می‌گیرند.
- کدگذاری انتخابی: سومین مرحله کدگذاری تحت عنوان کدگذاری انتخابی مشتمل بر فرایند

یکپارچه‌سازی و اصلاح نظریه زمینه‌ای است که با انتخاب یک مقوله مرکزی یا هسته‌ای همراه است. مقوله مرکزی نمایانگر زمینه اصلی تحقیق است که علی‌رغم برآمدن از تحقیق تا حد زیادی انتزاعی است. به بیانی اغراق‌آمیز مقوله مرکزی، خلاصه‌ای از ما حاصل تحقیق در چند کلمه است، به طوری که معرف همه آن چیزی باشد که تحقیق مورد نظر در پی آن بوده است (استراوس و کربین، ۲۰۰۸: ۱۰۱).

ارزیابی نظریه زمینه‌ای

جهت اعتبار بخشی به فرآیند و نتایج تحقیق به طور کلی تلاش محققان آن بوده است که گام‌های انجام شده در مصاحبه و تحلیل منطبق بر توصیه‌های روش‌شناختی این حوزه در منابع معتبر باشد. برای ارزیابی موفقیت محققان در این حوزه به ملاک‌های استراوس و کربین در بررسی یک تحقیق نظریه زمینه‌ای به قرار زیر ارجاع داده شده است (استراس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۸۵):

- تولید مفاهیم اولیه تا مرحله تکراری شدن دریافت‌ها از متن مصاحبه‌ها تداوم یافت.
- تلاش شد مفاهیم شناسایی شده به نحو روشن و روش‌مندی به یکدیگر مرتبط شوند.
- بر پایه اتصالات مفهومی، مقوله‌های فرعی و اصلی بسط داده شد.
- تلاش شد نظریه ساخته و پرداخته شده بر مبنای مقوله‌های استخراج شده، پراکندگی تجربیات مشارکت‌کنندگان را در برگیرد.
- تلاش شد تا تبیین نظری ارائه شده در انتهای کار، دریافتی فراگیر در باب مقوله مورد مطالعه را ارائه دهد.

- در طول تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها فرآیند تفسیر یا انتقال مورد نظر قرار گرفته است. این ملاک‌ها مرتبط با فرآیند تحقیق و چگونگی قرارگرفتن این فرآیند در داده‌های تحقیق است. محقق می‌تواند بر اساس این ملاک‌ها به ارزیابی کیفیت تحقیق بپردازد (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۳۵۵). در این پژوهش در تحلیل داده‌ها مفاهیم تولید شده است، بعضی از مفاهیم به صورت جنینی از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان گرفته شده است و بعضی از داده‌ها هم با توجه به مطالعاتی که محقق به صورت حرفه‌ای داشته است مفهوم‌سازی شده‌اند. این مفاهیم بر اساس ملاک‌ها استراوس و کربین به یکدیگر مرتبط هستند، همچنین سعی شده است که مقوله‌ها و اتصالات بین مقوله‌ها به خوبی پرورده شوند و ابعاد پدیده به خوبی توضیح داده شود و فرآیند تفسیر داده‌ها نیز هم صورت گرفته است. یکی از ملاک‌های ارزیابی تحقیقاتی نظریه بنیادی، ارائه مدل نظری در قالب شکل یا دیاگرام است (ایمان، ۱۳۸۸: ۳۵۶)، در این پژوهش نیز در نهایت یک مدل پارادایمی ارائه شده است.

جهت واریسی تاییدپذیری نتایج حاصل، مقوله‌های استخراج شده و روابط بین آن‌ها برای تعدادی از پاسخگویان بازگو و انطباق دریافت آن‌ها از تجربه زیسته‌شان با شرایط ناظر بر پدیده مرکزی شناسایی شده کنترل شد. به منظور اطمینان از تکرارپذیری یافته‌ها نیز، در چند مقطع از فرآیند تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، کدگذاری‌های مستقلی از سوی محققان صورت پذیرفت که بیانگر اشتراک نسبی در دریافت معانی و تفسیر متن بوده است.

یافته‌ها

در این مطالعه در مجموع ۱۵ مصاحبه با دختران جوان مشهدی درباره همسرگزینی و سبک‌گزینش همسر توسط آنان انجام شده است. در جدول شماره ۱ ویژگی‌های زمینه‌ای پانزده نفر از مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است. جهت حفظ ناشناس ماندن به هر یک از آن‌ها نام مستعاری داده شده است.

جدول ۱: مشخصات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

اسم	تحصیلات	سن	وضعیت اشتغال
فاطمه	کارشناسی	۲۱	خانه‌دار
زهرا	کارشناسی‌ارشد	۲۲	دانشجو
عاطفه	کارشناسی‌ارشد	۲۷	دانشجو
لیلا	کارشناسی‌ارشد	۲۹	دانشجو
عطیه	کارشناسی	۲۲	دانشجو
سمیرا	فوق‌دیپلم	۲۳	خانه‌دار
مهلا	کارشناسی	۲۱	دانشجو
سحر	کارشناسی	۲۵	خانه‌دار
سمانه	دیپلم	۲۷	خانه‌دار
پروانه	دکتری	۳۰	خانه‌دار
سمیه	کارشناسی	۲۲	خانه‌دار
منصوره	دیپلم	۲۸	خانه‌دار
منیره	دیپلم	۲۶	خانه‌دار
مریم	فوق‌دیپلم	۲۴	خانه‌دار
راحله	کارشناسی	۲۵	خانه‌دار

همانطور که در بخش روش ذکر گردید، داده‌ها پس از جمع‌آوری و پیاده‌سازی، به وسیله نرم‌افزار مکس کیودی‌ای کدگذاری شدند، در نهایت بیست مقوله محوری و یک مقوله انتخابی به دست آمد. در ادامه توصیف مبسوطی از مقوله انتخابی و مقوله‌های محوری ارائه خواهد شد.

همسرگزینی دختران جوان، کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی (پدیده مرکزی)

همسرگزینی دختران جوان امروزه ماهیتی چالش برانگیز به خود گرفته است که از یک سو در آن به حق عاملیت و تحقق فردیت دختران تاکید می‌شود و از سوی دیگر ملاحظات سنتی و فرهنگی در رابطه با آن حائز اهمیت است. امروزه دختران جوان زندگی در دنیایی را تجربه می‌کنند که در آن ازدواج‌های سنتی عملاً به گزینه‌ای در کنار گزینه‌های رقیب تبدیل شده است، و این امر هم در جامعه ایران و هم در سایر جوامع دیده می‌شود. در عین حال الگوهای سنتی انتخاب همسر همچنان در زمینه فرهنگی و عوامل اجتماعی، قانونی و اقتصادی عملکرد قدرتمندی در خانواده ایرانی دارند. علی‌رغم این موضوع گرایش به فردیت و داشتن انتخاب‌های مبتنی بر سلیقه و مطلوبیت‌های فردی چیزی نیست که بتوان از آن در مساله مهمی همچون همسرگزینی چشم‌پوشی کرد. در این شرایط نوعی کشمکش و هم‌آوردی مداوم بین تحقق فردیت و از یک سو ارزش‌های سنتی، فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر، بر انتخاب‌های کلیدی در زندگی همچون همسرگزینی

سایه می‌افکند.

زهره در این باره گفت: "مدل خواستگارام این بود که یکی از یک جایی شماره می‌گرفت، می‌گفت خوب پسر ما اینه با این تحصیلات و این شغل این قد و مامان منم می‌گفت، دختر منم تحصیلات و کارش اینه، قدشم اینه، بعدش اگه بخوان زنگ می‌زنن، اگر نخوان دیگه زنگ نمی‌زنن، تویه خواستگاری‌های سنتی خوب معرف خیلی مهمه."

عاطفه نیز اذعان داشت: "تو این پنج سال هیچ آدمی نمی‌تونست ذهنمو درگیر کنه، ما این قدر با هم بودیم که زمانی برای کسه دیگه نبود، مرتضی می‌گفت تو یک کاری کردی، که ارتباط معمولیم رو با دخترای همکلاسیم رو از دست دادم، حوصله دیگرانو ندارم فقط با من بود. منم دیگه نمی‌تونستم با کسی صحبت کنم."

شرایط علی: مقولات محوری و خرده مقولات مربوط به شرایط علی ناظر بر پدیده مرکزی در جدول دو مشاهده می‌شود.

جدول ۲: شرایط علی

مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از طبقات فرعی (خرده مقولات)
امکان دوستی با جنس مخالف	پیشنهاد دوستی از سوی پسر، رابطه خانوادگی موثر در برقراری رابطه دوستی
	پیشنهاد دوستی در دانشگاه، اولین رابطه جنسی بعد از سه ماه دوستی
باورهای مذهبی و فرهنگی فرد	اهمیت فرهنگی ملاک‌های مادی
	اهمیت حجاب
	اهمیت مشورت و استخاره در انتخاب همسر
	هم کفو بودن دو طرف به لحاظ مذهبی
میزان اقتدار والدین نسبت به فرد	اهمیت نظر خانواده برای دختر
	تصمیم نهایی ازدواج منوط به اجازه خانواده
	نظر مثبت پدر عامل جواب مثبت دختر به ازدواج
میزان استقلال مالی فرد از خانواده	وابسته نبودن پسر به لحاظ مالی به خانواده
	تغییر زیاد شغل پسر علت جواب منفی خانواده دختر

امکان دوستی با جنس مخالف: امروزه به دلیل تحولات فرهنگی و گسترش روابط دختران و حضور بیشتر آنان نسبت به گذشته در جامعه بسیار بیشتر امکان برخورد آنان با جنس مخالف در محیط‌های مختلف اعم از دانشگاه یا محیط کار یا حتی خیابان وجود دارد. از سوی دیگر به دلیل تحول ارزش‌ها در روند توسعه یابی جامعه ایران، شاهد مجموعه شرایط مساعدی برای دوستی با جنس مخالف به بهانه شناخت بیشتر و برقراری رابطه عاطفی قبل از دواج هستیم که با نوعی ارزشمندنگاری عشق رومانتیک پیش از ازدواج از یک سو و نداشتن شرایط اقتصادی مناسب پسران و یا آماده نبودن دختران برای ازدواج از سوی دیگر همراه شده است.

لیلا در این باره گفت: "اون موقع [دوست پسر] شرایط ازدواج نداشت برای همین نمی‌خواست ازدواج کنه. می‌گفت ازدواج تا سی سالگی نیاز نیست. من خیلی می‌ترسیدم، می‌دونستم نمی‌تونه منو نخواد. می‌گفت من عاشقتم اما نمی‌تونم باهات ازدواج کنم، نمی‌تونست از من بگذره ولی به زبون می‌گفت تو باید ازدواج کنی."

باورهای مذهبی و فرهنگی فرد: باورهای مذهبی و فرهنگی فردی نیز در گزینش همسر توسط دختران جوان اثرگذار است. باورهای فرهنگی بیشتر ناظر بر اخلاق، فهم و درک متقابل و اهمیت‌یابی شناخت طبع جنسی قبل از ازدواج است. باورهای اجتماعی نیز مواردی نظیر حفظ استقلال زن بعد از ازدواج، اهمیت چهره و زیبایی در انتخاب همسر، فاصله سنی و تحصیلات را شامل می‌شود. اهمیت ملاک‌های مادی نظیر داشتن خانه و ماشین و شغل پسر نیز از موارد مهم در باورهای اقتصادی است. معیارها و باورداشت‌های مذهبی نیز شامل داشتن اعتقادات مشابه، نماز خواندن، حجاب و نظایر این‌ها می‌شود. این معیارها در طیفی از شدت و ضعف در هر سه سبک همسرگزینی سنتی، دوستانه (رومانتیک) و ترکیبی وجود دارد.

سحر در این باره می‌گوید: "بهش گفتم حتی اگه تو نمی‌تونی ماشین لباس شویی بگیری، نخر، من روز به روز لباسارو می‌شورم که زیادم رو هم دیگه زیاد نشه و از نظر اقتصادی واقعا توقعم کمه و بهشم گفتم جهیزیم همه چیز توش نیست. بهش گفتم باید با هم بسازیم زندگیمون رو." منیره درباره این موضوع گفت: "آدم متدینی باشه. اون موقع من آهنگ گوش نمی‌دادم دوست داشتم با کسی ازدواج کنم که موزیک گوش نده، و خیلی از خواستگارامو به خاطر همین رد کردم. یا مثلا دوست داشتم اهل نماز و روزه و اهل هیئت باشه."

میزان اقتدار والدین نسبت به فرد: اقتدار والدین نسبت به فرد (دختران) از عوامل تعیین کننده در فرایند گزینش همسر است. در سبک سنتی عموماً میزان اقتدار والدین از باقی سبک‌ها بیشتر است و این به دلیل حضور مداوم والدین در فرایند گزینش همسر فرزندان و احاطه آنان به کل این فرایند است. اما در سبک دوستانه به مراتب اقتدار والدین کم‌تر است. هر چه این اقتدار کمتر باشد میزان فردیت و عاملیت فرد در فرایند گزینش همسر بیشتر است.

پروانه در این باره گفت: "مدل خواستگاری من این بود که اول خانواده می‌ومدن و ما همو میدیدیم و بعدش بابام می‌رفت پسر رو می‌دید و تحقیق می‌کرد و بعدش جلسه سوم پسرشونو می‌آوردن و بعدش جلسات بعدی باز بابام حرف می‌زد و تحقیق می‌کرد."

میزان استقلال مالی فرد از خانواده: استقلال مالی فرد از خانواده می‌تواند به عنوان عاملی عمل کند که میزان استقلال دختران را از خانواده در انتخاب همسر افزایش دهد و از سوی دیگر وابستگی مالی باعث نفوذ زیاد خانواده در جریان گزینش همسر می‌شود. در سبک سنتی گزینش همسر استقلال مالی دختر از خانواده چندان اهمیت ندارد. در سبک ترکیبی و سبک رومانتیک یا دوستانه، استقلال مالی برای دختران به مراتب بیشتر اهمیت دارد، زیرا به امکان‌پذیری فردیت آنان در فرایند گزینش همسر منجر می‌شود.

منصوره نیز می‌گوید: "من خودمم یک جورایی به این نتیجه رسیده‌بودم که دیگه ازدواج کنم چون درس که نمی‌خواستم بخونم، بعدم کار خاصی نداشتم، و بعد گفتم سنم بالا نره، برا همین فکر کردم که ازدواج کنم."

شرایط زمینه‌ای: شرایط زمینه‌ای که پدیده مرکزی را احاطه کرده‌است، شامل تحولات اجتماعی و فرهنگی در گذار نسل‌ها و پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی است. این شرایط همراه با گزیده‌ای از خرده مقولات آن در جدول سه آورده شده‌است.

جدول ۳: شرایط زمینه‌ای

مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از طبقات فرعی (خرده مقولات)	شرایط زمینه‌ای
تحولات اجتماعی و فرهنگی در گذار نسل‌ها	آزاد گذاشتن زن و محدود نکردن او	
	علاقه زیاد دختر به عاشق شدن قبل از ازدواج	
	اهمیت سلاقی غذایی و نوع تفریحات طرفین	
پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی	مراوده با جنس مخالف در فضای مجازی	
	روابط اجتماعی راحت پسر با دخترها	

تحولات اجتماعی و فرهنگی در گذار نسل‌ها: تغییر و تحولات در جامعه ایران بستری مساعد برای تحول‌یابی نهادهای اجتماعی از جمله خانواده بوده‌است. مجموعه این تحولات فردیت در گزینش همسر را به عنوان اصلی اساسی در فرایند ناظر بر آن مطرح می‌کند. به علاوه امروزه باورها و ارزش‌هایی برای گزینش همسر به وجود آمده که در گذشته به این شکل وجود نداشته‌است. داشتن روابط جنسی خوب، اهمیت طرز پوشیدن لباس، آزاد گذاشتن زن، احترام به دختر، علاقه به عاشق شدن قبل از ازدواج و رابطه قبل از ازدواج از جمله مصادیق این تحول است. عاطفه در این باره می‌گوید: "یه خواستگار دیگه‌ای داشتیم که خیلی دوستم داشت... خیلی آدم شریفی بود و تا موقعی که من ازدواج کردم همچنان منتظرم بود. ولی وقتی باهاش حرف می‌زدم، ازش پاسخ‌های پخته‌ای نمی‌شنیدم. به همین خاطر چون معیارم خاص بود، نمی‌تونستم باهاش ازدواج کنم."

پویایی ارتباطات اجتماعی: افرادی که روابط اجتماعی گسترده‌تری را تجربه می‌کنند و یا در شبکه‌های گسترده‌تری قرار گرفته‌اند، هم در معرض گزینه‌های متنوع‌تری برای انتخاب همسر هستند و هم تجربه‌های متنوع‌تری از همسرگزینی را در اطرافیان خود مشاهده می‌کنند. علاوه بر این در سال‌های اخیر شکوفایی شبکه‌های اجتماعی مجازی عرصه‌ای جدید برای اثرگذاری صورت‌های متفاوتی از ارتباطات اجتماعی بر الگوهای همسرگزینی را به دنبال آورده است. رونق شبکه‌های اجتماعی بیش از همه در همسرگزینی‌های دوستانه یا رومان‌تیک حائز اهمیت بوده‌است، همچنین وجود واسطه‌های همسر‌یابی در شبکه ارتباطات سنتی نشان‌دهنده اهمیت پویایی ارتباطات اجتماعی در فرایند گزینش همسر در سبک سنتی است. عاطفه در این باره گفت: "اولش به من پیشنهاد دوستی داد، تو فیس‌بوک همش با من حرف می‌زد، در مورد درس‌ها و نظریه و مبانی ازم سوال می‌پرسید، خودشم خیلی مقید بود، بعد یک مدت برام شعر عاشقانه می‌فرستاد..."

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گری مانند تحصیلات والدین، باورداشتهای مذهبی رایج در خانواده و تجربه تحصیل در دانشگاه می‌تواند، تسهیل‌کننده بروز پدیده مرکزی باشد (جدول چهارم).

جدول ۴: شرایط مداخله‌گر

مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از طبقات فرعی (خرده مقولات)	شرایط مداخله‌گر
تحصیلات والدین	خانواده تحصیل‌کرده	
	اولویت داشتن ملاک مذهب در خانواده	
	تعصب خانواده مانع از داشتن رابطه قبل از ازدواج	
تجربه تحصیل در دانشگاه (محیط آموزشی مختلط)	باور خانواده مبنی بر زود ازدواج کردن دختر	
	آشنایی با جنس مخالف در محیط دانشگاه	
	صحبت درمورد ازدواج در دانشگاه	
	حساسیت کم‌تر خانواده به روابط دختر و پسر به خاطر هم‌دانشکده‌ای بودن	

تحصیلات والدین: تحصیلات والدین از عوامل مداخله‌گر تسهیل‌کننده بروز پدیده مرکزی تحقیق بوده است، می‌توان گفت تحصیلات بالاتر والدین، احتمال پذیرش روابط قبل از ازدواج در چارچوب خانواده (سبک ترکیبی) از سوی آنان و حتی کنار آمدن با روابط دوستانه را افزایش می‌دهد. در خانواده‌هایی که تحصیلات والدین کمتر است، ارتباط والدین با فرزندان به مراتب کمتر است، در این شرایط گزینه‌های پیش روی فرزندان برای گزینش همسر عمدتاً به شکل سنتی و کمتر به سبک ترکیبی است.

زهره در این‌باره اظهار داشت: "فرد تحصیل نکرده برای خانواده من قابل پذیرش نبود، به هر حال خانواده من همه تحصیل کرده بودن، خانواده من دوست داشتم من با یکی از دوایج کنم که از نظر فرهنگی و فکری شبیه خودمون باشه و بنابراین به منو علی هم اجازه دادن که تو چارچوب رابطه داشته باشیم."

باورداشت‌های مذهبی رایج در خانواده: باورداشت‌های مذهبی در خانواده‌های ایرانی نیز تا حدی بر فردیت و عاملیت دختران در فرایند گزینش همسر اثر مداخله‌ای داشته‌است. فهم سخت‌گیرانه از ارزش‌های مذهبی باعث می‌شود که خانواده‌ها از پایه با رابطه قبل از ازدواج مخالف باشند، صحبت دختر و پسر را فقط در جلسات محدود در منزل بپذیرند، عمده تحقیقات را خودشان انجام دهند، تا زمان عقد دختر و پسر کمتر به صورت فردی کاری انجام می‌دهند و همه مراحل گزینش همسر با نظارت خانواده انجام می‌شود. از سوی دیگر کم‌رنگ بودن باورداشت‌های مذهبی در خانواده تسهیل‌کننده گزینش همسر در قالب دوستانه بوده‌است. در راهبرد ترکیبی خانواده‌ها به واسطه اطمینان نسبی به استحکام اخلاقی و یا مذهبی فرزندان، علی‌رغم اطلاع از رابطه قبل از ازدواج، اما مداخله‌شان به شدت الگوی سنتی نیست، هرچند نسبت به الگوی دوستانه نظارت بیشتری به جریان رابطه دختر و پسر دارند.

به عنوان مثال سمانه در این باره گفت: "خودم یک جلسه باهاش حرف زدم، خانواده ام تو این فاز نبودن که بزرن من زیاد حرف بزمن، کلا سبکمون این بود که وقتی من کلیتشو می‌پسندیدم، و یکی دو جلسه حرف بزمن"

منصوره نیز در باره این موضوع گفت: "میدیدم خیلی ازدواجی که با دوستی بوده موفق نبوده برای همین می‌دونستم که ازدواج با دوستی با پسر خوب نیست. از یک طرفم اصلاً دوستی با پسر تو دوره ما خیلی بد بود. همش مارو می‌ترسوندن که اگر کاری بکنی یا دستی بهت بخوره، اگر مرده زندگیت بفهمه می‌تونه کلی بلا سرت بباره آخرش طلاق می‌ده."

تجربه تحصیل در دانشگاه (محیط آموزشی مختلط): تحصیل در محیط‌های آموزشی مانند دانشگاه می‌تواند تسهیل‌کننده پدیده مرکزی شناسایی شده باشد. زیرا در این محیط دختران و پسران فارغ از چارچوب خانواده‌ها و ارزش‌های سنتی محدودکننده رابطه دختر و پسر، با یکدیگر رو به رو می‌شوند و در چارچوب کارهای تحصیلی و فوق برنامه‌ها با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند، به علاوه دختران جوان معمولاً بعد از ورود به محیط‌های آموزشی مانند دانشگاه کمتر تحت نظارت خانواده هستند و براین اساس در روابط خود آزادانه‌تر رفتار می‌کنند.

عطیه درباره این موضوع گفت: "همه چیز پیش رفت تا من اومدم دانشگاه تو دانشگاه همه چیز فرق کرد، من خیلی آزاد شده بودم ساله دوم دیگه رابطم با مهدی خیلی زیاد شده بود..."

راهبردها: راهبردهایی که مصاحبه شوندگان در مقابل پدیده مرکزی اتخاذ کرده‌اند، شامل همسرگزینی دوستانه (رومانتیک)، همسرگزینی سنتی و همسرگزینی ترکیبی است (جدول پنج).

جدول ۵: راهبردها

مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از طبقات فرعی (خرده مقولات)	راهبردها
همسرگزینی دوستانه (رومانتیک)	برقراری رابطه عاشقانه قبل از ازدواج	راهبردهای دوستانه
	درگیر نبودن خانواده‌ها در جریان آشنایی	
	خواستگاری بی واسطه از دختر	
همسرگزینی سنتی	قبیح داشتن صحبت در باره مسائل جنسی قبل از ازدواج	راهبردهای سنتی
	مینا بودن نظر خانواده در ازدواج	
	اهمیت وجود راوی (واسطه ازدواج)	
همسرگزینی ترکیبی	بیرون رفتن دختر و پسر با اطلاع خانواده	راهبردهای ترکیبی
	چندین ماه رابطه قبل از ازدواج	
	ابراز علاقه به دختر از طریق واسطه دوستانه	

همسرگزینی سنتی: یکی از راهبردهایی که دختران مورد مطالعه در مقابل پدیده همسرگزینی سنتی در پیش می‌گیرند الگوی سنتی انتخاب همسر است. طبق این الگو ابتدا خانواده پسر با منزل دختر تماس می‌گیرند و مشخصات اولیه پسر را به خانواده دختر می‌گویند. در این سبک دختر و پسر آشنایی زیادی با یکدیگر ندارند و در فضای منزل با هم صحبت می‌کنند و اگر به خارج منزل هم بروند عموماً با خانواده‌ها می‌روند. در این مدل چون خانواده‌ها درگیر هستند، دختر و پسر زمان کوتاه‌تری برای آشنایی قبل از ازدواج دارند. همچنین نکته قابل توجه در این مدل این است که دختر و پسر در مورد مسائل جنسی با یکدیگر صحبت نمی‌کنند و یا اگر صحبت کنند به علت قبحی که این مساله نزد آنان دارد، آن را شفاف توضیح نمی‌دهند و از سوی دیگر دچار رابطه عاطفی نمی‌شوند و اصولاً اصطلاح «عشق بعد از ازدواج» را به کار می‌برند.

پروانه در این باره اظهار داشت: "من هیچ علاقه‌ای بهش نداشتم، اما بعد دو هفته بهش علاقه مند شدم من این سبک رو می‌پسندم."

همسرگزینی دوستانه (رومانتیک): الگوی دوستانه یا رومانیتیک در گزینش همسر راهبرد دیگری است که برخی از مصاحبه شوندگان اتخاذ کرده‌اند. در این مدل از ازدواج، دختر و پسر ابتدا در محیط‌های مختلف یکدیگر را می‌بینند و دچار حسی که به گفته خودشان «عشق در یک نگاه» نام دارد، می‌شوند و یک رابطه طولانی مدت را، بدون اطلاع خانواده‌ها پیش می‌برند و بعد مدت نامعلومی خانواده‌ها را در جریان قرار می‌دهند و ازدواج می‌کنند. نکته قابل توجه در این سبک این است که دختر و پسر بعد از گذشت مدتی از رابطه شان، به علت شدت گیری وابستگی عاطفی، احتمالاً رابطه جسمی - جنسی با یکدیگر برقرار می‌کنند. میزان فردیت دختران در این سبک بسیار زیاد و ارزش‌های مذهبی تا حدودی کمتر در نظر گرفته خواهند شد.

لیلا در این باره گفت: "من شونش به شونم می‌خورد بدنم می‌لرزید... وقتی آدما به لحاظ قلبی به هم متعهد هستند، نمی‌تونن از هم جدا بشن و نمی‌تونن به هم نزدیک نشن نمی‌تونن خودشون رو کنترل کنند."

همسرگزینی ترکیبی: راهبرد ترکیبی در گزینش همسر ما بین الگوی سنتی و دوستانه قرار دارد. در این سبک دختر و پسر یکدیگر را در فضای دانشگاه و یا فضاهای کاری و ... ملاقات می‌کنند و تا حدی به لحاظ عاطفی درگیر می‌شوند. در مرحله بعد به فاصله کوتاهی خانواده‌ها در جریان این رابطه قرار می‌گیرند و به شکل رسمی خواستگاری انجام می‌شود، ممکن است، این روند ماه‌ها به طول انجامد. در این مدل دختر و پسر ساعت‌های طولانی در فضاهایی غیر منزل و بدون حضور خانواده با یکدیگر مراوده دارند. البته در مجموع نظارت خانواده بر این روابط عاطفی - جسمی برقرار است.

فاطمه در این باره اظهار داشت: "دوست نداشتم دوست بشم ولی دوست داشتم رابطه باید زیر نظر خانواده باشه. تو این موارد در حد و حدود شرعی هیچ اشکالی نداره رابطه در چارچوب خانواده. جریان ازدواج من نزدیک یک سال طول کشید."

پیامدها: اتخاذ هر کدام از راهبردهای سه گانه فوق، مجموعه‌ای از پیامدها را ایجاد می‌کند. این پیامدها شامل تفاهم/عدم تفاهم پس از ازدواج، مسئولیت‌پذیری/مسئولیت‌گریزی در انتخاب همسر، خوش‌بینی/بدبینی نسبت به پایداری زندگی زناشویی و دریافت/عدم دریافت پشتیبانی است (جدول شش).

جدول ۶: پیامدها

مقولات عمده (محوری)	گزیده‌ای از طبقات فرعی (خرده مقولات)	پیامدها
تفاهم/عدم تفاهم پس از ازدواج	علاقه‌مند شدن زن و مرد بعد از ازدواج، کنار آمدن با ضعف‌های یکدیگر حساسیت‌های زیاد پسر در مورد نحوه لباس پوشیدن دختر بعد از ازدواج، محدود کردن روابط اجتماعی دختر پس از ازدواج	تفاهم/عدم تفاهم میان زن و مرد پس از ازدواج دیده نمی‌شود و یا به شکل تدریجی حاصل می‌شود و در ابتدا تنش‌هایی میان زن و مرد وجود دارد. این امر به این دلیل است که روابط و گفتگوی زیادی قبل از ازدواج میان دختر و پسر وجود ندارد، اما کسانی که باین الگو ازدواج کرده‌اند براین عقیده‌اند که عشق بعد از ازدواج شکل می‌گیرد و تحت تاثیر آن تفاهم حاصل می‌شود. در سبک دوستانه این تفاهم به دلیل روابط طولانی ظاهر می‌شود و در سبک ترکیبی تفاهم در موقعیت بینابینی قرار دارد.
مسئولیت‌پذیری/مسئولیت‌گریزی در انتخاب همسر	پذیرش مسئولیت انتخاب همسر و نتیجه آن، فعال بودن دختر در جریان انتخاب همسر واگذار کردن انتخاب همسر به خانواده، منفعل بودن دختر در جریان انتخاب همسر	
خوش‌بینی/بدبینی به پایداری زندگی زناشویی	اهمیت حضور خانواده‌ها در جریان انتخاب همسر، حضور خانواده‌ها عمل دوام زندگی، ریسک دوستی قبل از ازدواج	
دریافت /عدم دریافت پشتیبانی‌های خانوادگی	تحقیقات ناقص در خواستگاری سنتی، نبود امکان شناخت در جلسات محدود خواستگاری سنتی مطلع بودن خانواده از رابطه ازدواجی دختر و پسر، تحقیقات پدر دختر از پسر و خانواده او سخت بودن روابط دختر و پسر به دلیل بی‌اطلاعی خانواده‌ها، صحبت‌های سرد پدر دختر با پسر قبل از خواستگاری رسمی	

تفاهم/عدم تفاهم پس از ازدواج: بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان گفت که در همسرگزینی سنتی تفاهم میان زن و مرد پس از ازدواج دیده نمی‌شود و یا به شکل تدریجی حاصل می‌شود و در ابتدا تنش‌هایی میان زن و مرد وجود دارد. این امر به این دلیل است که روابط و گفتگوی زیادی قبل از ازدواج میان دختر و پسر وجود ندارد، اما کسانی که باین الگو ازدواج کرده‌اند براین عقیده‌اند که عشق بعد از ازدواج شکل می‌گیرد و تحت تاثیر آن تفاهم حاصل می‌شود. در سبک دوستانه این تفاهم به دلیل روابط طولانی ظاهر می‌شود و در سبک ترکیبی تفاهم در موقعیت بینابینی قرار دارد.

زهرا اذعان داشت: "بعد اون تصمیم گرفتم تا وقتی نشستم سر سفره عقد عاشق نشم و وابسته نشم. حتی با شوهرم تا روز عقد علاقه مند نشده بودم اصلا. بعد ازدواج ازش خوشم اومد."

سمیرا نیز می‌گوید: "به طور کلی بعد از ازدواج تازه متوجه حساسیت‌های همسرم شدم، همسرم رفیق باز

بود ولی به من نگفته بود."

مسئولیت‌پذیری / مسئولیت‌گریزی در انتخاب همسر: در سبک سنتی همسرگزینی به دلیل حضور پررنگ خانواده‌ها در مراحل مختلف، نقش دختر و پسر کم‌رنگ‌تر است. بنا بر یافته‌های این مطالعه در سبک سنتی، نوعی مسئولیت‌گریزی از سوی دختران در انتخاب همسر وجود دارد. اما در سبک‌ها ترکیبی و دوستانه، عاملیت دختر در انتخاب همسر بیشتر دیده می‌شود، که در نتیجه مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به دستاوردهای حاصل، در این دو راهبرد گزینش همسر وجود دارد.

عطیه در این باره گفت: "خب من خودم شوهرم رو انتخاب کردم، باهم دوست شدیم و بعد ۵ سال ازدواج کردیم، تمام سبک و سنگین‌های انتخاب رو خودم کردم و الانم راضیم."

پروانه نیز گفت: "خب خواستگار اومد، من دیدم بدم نیومد، از جلسه‌های بعدش دیگه فقط بابام صحبت می‌کرد، بابام همه چیزشو سنجید، گفت خوبه، تحقیق کرد منم قبول کردم"

خوش‌بینی / بدبینی به پایداری زندگی زناشویی: در سبک سنتی خوش‌بینی نسبت به پایداری زندگی زناشویی وابسته به عملکرد خانواده‌های طرفین در ارائه پشتیبانی‌های لازم است. در سبک دوستانه این خوش‌بینی یا بدبینی وابسته به باورداشت‌های مذهبی طرفین و خانواده‌های آن‌ها است. سبک ترکیبی نیز حالت بینابینی در رابطه با این موضوع دارد.

عطیه در این باره می‌گوید: "در مواردی تو این سبک ازدواج [دوستانه] یک فشاری به لحاظ وابستگی وجود داره ممکنه اول وابستگی به وجود بیاد بعدش شناخت، که شناخت تحت تاثیر عاطفه می‌تونه تغییر کنه و باعث اشتباه بشه."

زهره درباره این موضوع می‌گوید: "خب سبک سنتی ازدواج به نظر من ایراد داره، اگه ادم خودش مرد مورد علاقه‌شو انتخاب کنه خوبه، ادم از قبل اونو میشناسه مثلاً اگه تو دانشگاه باشن، یک مدت طولانی اخلاقی همو دیدن و شناختن و رفتاری همو دیدن و این مهمه تو خواستگاری سنتی این نیست."

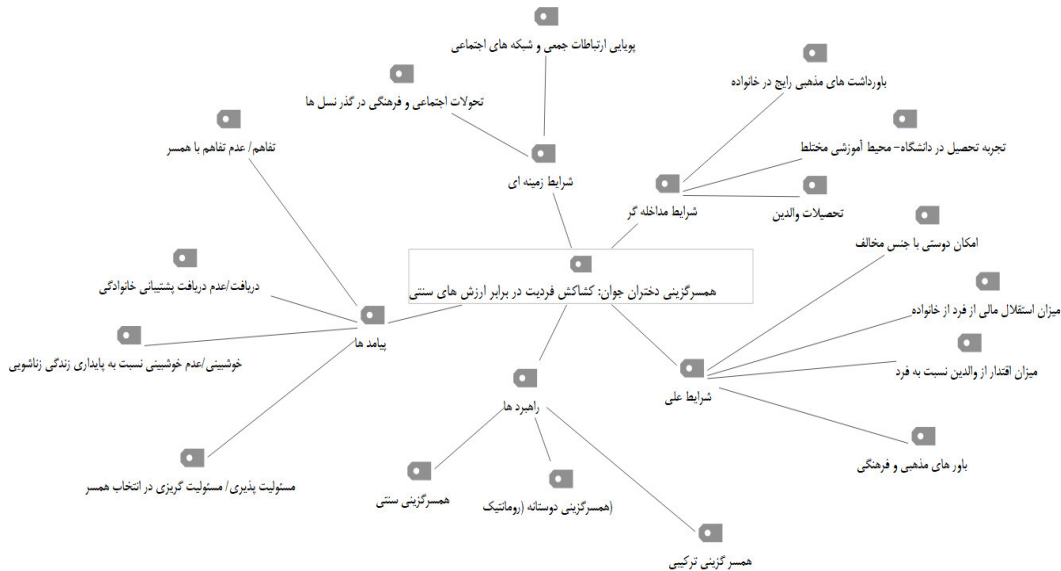
دریافت / عدم دریافت پشتیبانی‌های خانوادگی: دریافت پشتیبانی خانوادگی در سبک سنتی تا حد زیادی مشهود است و به طور کلی پایه این سبک مبتنی به حضور دائم خانواده و نظارت کامل خانواده بر فرایند گزینش همسر است. در سبک دوستانه که نقطه مقابل سبک سنتی است، این پشتیبانی معمولاً به حداقل می‌رسد و دختر و پسر مستقل‌تر رفتار می‌کنند. این مورد نیز در سبک ترکیبی حالت بینابین دارد. در واقع بعضی صورت‌های رابطه دختر و پسر قبل از ازدواج، در منظر برخی از والدین قابل پذیرش و توأم با پشتیبانی ایشان است.

مریم در این باره گفت: "هم نظر من مهم بود، هم نظر خانواده، اما در نهایت بازم خانواده ام خیلی راضی نبود، من دوش داشتم، و سعی کردم خانواده رو راضی کنم."

منیره نیز اذعان داشت: "خب صفر تا صد ازدواج من با خانواده بود، چون اون پسر عمه من بود، خانواده‌ها تصمیم گرفتن، منم دوست داشتم."

بحث و نتیجه‌گیری

مقولات به‌دست آمده را می‌توان در مدلی چند بخشی قرار داد تا توصیف کامل‌تری از پدیده همسرگزینی دختران جوان، کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی به دست‌آید.



تصویر ۱: مدل پارادایمی "همسرگزینی دختران جوان: کشاکش فردیت در برابر ارزش‌های سنتی"

گزینش همسر در دهه‌های اخیر در ایران دچار تغییر و تحولات زیادی شده است. همان‌گونه از مدل پارادایمی استنباط می‌شود، پدیده مرکزی شناسایی شده، از سوی شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای، راهبردی و پیامدی مشخصی احاطه شده‌است. شرایط زمینه‌ای ناظر بر تحولات اجتماعی و فرهنگی در گذر نسل‌ها و پویایی ارتباطات جمعی و شبکه‌های اجتماعی است. تحولات فرهنگی جامعه ایران در گذار نسل‌ها در مطالعات مختلفی با الگوی زندگی خانوادگی در تناظر قرار داده شده‌است (زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲؛ صدرا و قنبری، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۵). امروزه تا حد زیادی ارزش‌ها و باورهای سنتی که توجیه‌کننده حضور کمتر دختر در فرایند گزینش همسر بوده به ارزش‌ها و باورهایی که بیشتر ناظر بر فردیت و نقش پررنگ دختر در گزینش همسر است مبدل شده‌اند، در نتیجه این موضوع دختران در جریان گزینش همسر استقلال بیشتری دارند، به عبارت دیگر فرایند خانواده‌محور گزینش همسر در گذار جامعه از سنت به مدرنیته، تحت تاثیر فردگرایی و اهمیت تصمیمات فردی و ارتقای خودمختاری زنان در امر ازدواج، به فرایندی فردمحور تبدیل شده‌است (ذهبی، عالی‌نژاد و فرهمند، ۱۳۹۵؛ اعظم‌آزاد و توکلی، ۱۳۸۶؛ جنادله و رهنما، ۱۳۹۳).

بر اساس یافته‌های این مطالعه عاشق شدن قبل از ازدواج، آزاد بودن دختر در انتخاب همسر خصوصا در سبک‌هایی از گزینش همسر که دختر و پسر با یکدیگر وارد رابطه رومانسیک می‌شوند، از مهم‌ترین مصادیق این تغییر و گذار فرهنگی است. این تغییر فرهنگی، همراه با گستردگی روابط اجتماعی و حضور دختران در

شبکه گسترده‌ای از روابط، در مجموع گزینه‌های متنوعی را برای انتخاب همسر در اختیار دختران قرار می‌دهد و همه این موارد ناظر بر پیرنگ شدن نقش فردیت دختران در گزینش همسر و ظهور و بروز ارزش‌های مدرن در میان آنان است، این بخش از یافته‌ها نیز با نتایج مطالعه مدیری و مهدوی (۱۳۹۴) نیز تا حدودی همخوانی دارد.

همچنین میزان استقلال مالی فرد از خانواده، اقتدار والدین نسبت به فرد، باورهای مذهبی و فرهنگی و امکان دوستی با جنس مخالف، در کنار تجربه تحصیل در دانشگاه و محیط‌های آموزشی مختلف و با باورداشته‌های مذهبی رایج در خانواده همراه با تحصیلات والدین به گسترده شدن نقش دختران در فرایند گزینش همسر منجر شده‌است. براین اساس افراد مورد مطالعه در این تحقیق، معمولاً یکی از این سه راهبرد همسرگزینی سنتی، همسرگزینی ترکیبی و همسرگزینی دوستانه (رومانتیک) را اتخاذ کرده‌اند. نمونه مشابهی از این سبک‌شناسی در مطالعه صادقی فسایی، شریفی و ساعی (۱۳۹۰) مشاهده می‌شود. در این میان همسرگزینی ترکیبی یعنی آشنایی قبل از ازدواج در چارچوب خانواده با مطالعات نوغانی، صدیق اورعی و سالار (۱۳۹۲) و اصغرپورماسوله، کرمانی و برادران کاشانی (۱۳۹۶) و سادات مستقیمی (۱۳۸۴) هم‌خوانی داشته‌است. در عین حال به نظر می‌رسد که هیچ کدام از سه راهبرد نسبت به دیگری برتری ندارند، بلکه آن چه در انتخاب همسر حائز اهمیت است، بر اساس مطالعه اصغرپورماسوله، کرمانی و برادران کاشانی (۱۳۹۶) گذار مطلوب، منطقی و کم هزینه از مراحل مختلف فرایند گزینش همسر است.

اتخاذ راهبردهای سه گانه فوق، چهار پیامد داشته‌است. متناسب با راهبرد سنتی، دریافت پشتیبانی‌های خانوادگی اتفاق می‌افتد و حضور دائم خانواده‌ها در تمام فرایند گزینش همسر از مشخصه‌های مهم این راهبرد است. این یافته در مطالعه آپوستلو (۲۰۰۷) و مکرای و همکاران (۲۰۱۲) و چراغی و همکاران (۱۳۹۴) نیز تایید شده‌است. علاوه براین، یافته مذکور با دیدگاه برناردز (۱۳۸۴) درباره جوامع سنتی، که ناظر بر غالب بودن تصمیم پدر و مادر در ازدواج فرزندان است، همپوشانی دارد. در این راهبرد عموماً خوش‌بینی بیشتری نسبت به پایداری زندگی زناشویی مخصوصاً از سوی خانواده‌ها وجود داشته است و نقش دختران در فرایند گزینش همسر در راهبرد سنتی به مراتب کمتر از دو راهبرد دیگر گزینش همسر است. بنابراین به نوعی مسئولیت‌گریزی در انتخاب همسر از سوی دختر و پسر وجود دارد و دختر فردیت بسیار کمتری نسبت به سایر راهبردها در این راهبرد دارد. همچنین در راهبرد همسرگزینی سنتی عموماً در ابتدای ازدواج تفاهم میان زن و مرد دیده نمی‌شود و این تفاهم به طور تدریجی بعد از ازدواج صورت می‌گیرد.

در راهبرد همسرگزینی دوستانه (رومانتیک)، عدم دریافت پشتیبانی‌های خانوادگی یکی از پیامدهای محتمل است، به خصوص در خانواده‌هایی با رویکرد مذهبی که خوش‌بینی کمتری نسبت به پایداری ازدواج‌هایی به سبک دوستانه دارند، این یافته با نتایج تحقیق رفاهی و همکاران (۱۳۹۱) و صادقی فسایی، شریفی ساعی (۱۳۹۰)، هم‌خوانی داشته‌است. با توجه به تحولات فرهنگی و دگرگونی ارزش‌های خانواده‌محور و سنتی از یک سو، و رشد ارزش‌های مدرن و اهمیت انتخاب‌های فردی بر اساس آن‌ها از سوی دیگر، سبک دوستانه (رومانتیک) گزینش همسر، با تجربه درجه بالاتری از مسئولیت‌پذیری دختران جوان و به تبع آن با سطح بالاتری از آزادی عمل و خودمختاری بیشتر در تصمیمات مربوط به گزینش همسر همراه شده‌است (پناغی و همکاران، ۱۳۹۵؛ مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴). همچنین بر اساس گزارش‌هایی که از سوی پاسخگویان در این

مطالعه وجود داشته است، می‌توان اذعان داشت که به دلیل وجود روابط قبل از ازدواج و گفتگوهای که میان دختر و پسر به صورت طولانی مدت وجود دارد، عموماً تفاهم پس از ازدواج در این راهبرد به شکل بارزتری به وجود می‌آید، البته در خانواده‌هایی با رویکرد مذهبی، تاکید اثرات منفی و نارضایتی زناشویی در سبک دوستانه و روماتیک‌گزینش همسر به دلیل مغایرت این شیوه از گزینش همسر با ارزش‌های مذهبی بیشتر مشهود است.

راهبرد همسرگزینی ترکیبی نیز در مواجهه با پیامدهای چهارگانه حالتی میانه دارد. این راهبرد قرائت جدیدی از ازدواج است، که هم ارزش‌های سنتی را درون خود دارد که و از سوی دیگر حامل ارزش‌های نیمه مدرن و مدرن است، این یافته با مطالعات صادقی فسایی و شریفی ساعی (۱۳۹۰) و سادات مستقیمی (۱۳۸۴) تا حدودی همخوانی داشته است. دریافت پشتیبانی‌های خانوادگی به صورت کنترل شده نیز یکی از پیامدهای اتخاذ راهبرد همسرگزینی ترکیبی از سوی پاسخگویان بوده است، این نظارت تا حدی است که فردیت، استقلال و مسئولیت‌پذیری دختران جوان در گزینش همسر از بین نرود. علاوه بر این بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت که در این سبک تا حد زیادی خوش‌بینی نسبت به پایداری زندگی زناشویی وجود دارد.

در مجموع بر مبنای نتایج حاصل می‌توان مدعی شد دختران جوان مورد مطالعه در آمد و شدی چالش برانگیز بین مجموعه‌ای از ارزش‌های فردگرایانه و سنت مدارانه در مسیر انتخاب همسر گرفتار بوده‌اند. مواجهه روزافزون با نشانگان فرهنگی و اجتماعی دنیای مدرن به ویژه به واسطه حضور گسترده تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، امواجی سهمگین از نوگرایی و فردگرایی را در زندگی دختران جوان نتیجه داده است. در حالی که سنت‌های قدرتمند فرهنگی و اجتماعی نیز همچنان در محیط زندگی ایشان به اثرگذاری و نفوذ خود ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی می‌توان شاهد مجموعه‌ای از راهبردهای فعالانه در جهت غلبه بر این فضای چالش‌آلود از سوی عاملان اجتماعی مورد مطالعه بود که پویایی قابل توجهی به زندگی ایشان بخشیده است.

محدودیت‌های پژوهش

از آنجایی که در نمونه‌گیری پژوهش از شیوه‌های در دسترس و گلوله برفی استفاده شده، نمونه مورد بررسی معرف کل جامعه هدف نبوده است. بنابراین در تعمیم‌دهی نتایج حاصل از پژوهش حاضر باید با احتیاط عمل کرد. سایه سنگین برخی ملاحظات فرهنگی ناظر بر تابوانگاری مسائل جنسی و زناشویی و همچنین برخورداری بعضی پاسخگویان از ویژگی‌های روان‌شناختی بازدارنده برای گفت‌وگوی عمیق پیرامون مسائل حساسیت‌برانگیز، مانند درون‌گرایی و یا صورت‌هایی از درگیری‌های عاطفی که جلب اعتماد و همکاری پاسخگویان را دشوار و زمان بر می‌ساخت، از دیگر چالش‌هایی بود که محققان با آن مواجه شدند.

پیشنهادات برای مطالعه بیشتر

- مقایسه کیفی پیامدهای سبک‌های مختلف همسرگزینی زنان جوان
- بررسی مقایسه‌ای الگوهای همسرگزینی زنان جوان در محیط‌های شهری و روستایی مختلف
- مطالعه تحولات بین‌نسلی در علل و آثار گرایش به الگوهای مختلف همسرگزینی در بین زنان

پی‌نوشت‌ها

1. Zahedi and khezr-Nezhad
2. Sadra and Ghanbari
3. Abdolmaleki et al.
4. Zahabi et al.
5. Azam-azad and Tavakoli
6. Apostolou
7. Bernardes
8. McCrae, Willemsen and Boomsma
9. Cheraghi et al.
10. Sadeghi-fasaei, Sharifi Saei
11. Sadat-Mostaghimi
12. Panaghi et al.
13. Jenadeleh and Rahnama
14. Kazemi-pour
15. Azimi-hashemi et al.
16. Khallad
17. Fu
18. Samani
19. Furnham
20. Samani and Rayan
21. Ghimire, Axinn, Yabiku and Thornton
22. Asgharpour-masouleh et al.
23. Noghani-Dokht-Bahmani et al.
24. Azadarmaki and khazaei
25. Refahi et al.
26. Haleh, Makui and Dabbaghi
27. Shiloh and Sheffer
28. Allendorf and Ghimire
29. Courtioux and Lignon
30. Cheraghi et al.
31. Sharifi-Daramadi et al.
32. Modiri, Mahdavi
33. Monogamy
34. Bigamy
35. Tsay
36. Hofstede
37. Kelman
38. Movahed, Shovazi
39. Shojaee-Jashoghani et al.
40. Eftekhazadeh
41. Sanati-Sharghi et al.
42. Mahdavi and Moshayedi
43. Flick
44. Corbin, and Strauss
45. Charmaz, and Liska
46. Charmaz and Henwood
47. Eman

منابع

- استراوس، آ. و جولیت، ک. (۲۰۱۳). *مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ا. افشار (۱۳۹۲). تهران: نشر نی.
- اصغریپورماسوله، ا.، کرمانی، م.، و برادران کاشانی، ز. (۱۳۹۶). *پدیدارشناسی همسرگزینی دختران جوان در شهر مشهد. زن در فرهنگ و هنر*، ۱۹(۱)، ۷۱-۴۹.
- اعظم‌آزاده، م.، و توکلی، ع. (۱۳۸۶). *فردگرایی، جمع‌گرایی و دینداری. مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۰۱-۱۲۵.
- افتخار زاده، ز. (۱۳۹۴). *تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام. پژوهش نامه مددکاری اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۵۶-۱۰۹.
- ایمان، م. (۱۳۸۸). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آزادارمکی، ت.، زند، م.، و خزایی، ط. (۱۳۷۹). *بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی: با تاکید بر مقایسه مراسم، آداب و کارکردهای حمایتی. نامه علوم اجتماعی*، ۱۶(۱۶)، ۲۹-۳.
- برنادز، ج. (۱۹۹۷). *درآمدی به مطالعات خانواده*. ترجمه ح. قاضیان (۱۳۸۴). تهران: نشر نی.
- پناغی، ل.، زاده‌محمدی، ع.، باقریان، ف.، پاکدامن، ش.، احمد آبادی، ز.، و محمدی، س. (۱۳۹۵). *جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی: یک مطالعه کیفی، خانواده پژوهی*، ۱۲(۲)، ۱۷۹-۱۹۶.
- جنادله، ع.، و رهنما، م. (۱۳۹۳). *دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های ملی). خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۳)، ۲۷۷-۲۹۶.

- چراغی، م.، مظاهری، ع.، موتابی، ف.، صادقی، م.، و سلمانی، خ. (۱۳۹۶). مقیاس سیستمی - مثلثی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها. *خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۳)، ۳۶۰-۳۴۳.
- چراغی، م.، مظاهری، م.، موتابی، ف.، پناغی، ل.، و صادقی، م. (۱۳۹۴). مقایسه ارتباط با خانواده همسر در زنان و مردان متاهل ایرانی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۱)، ۴۱-۳۲.
- حاله، ح.، ماکویی، ا.، و دباغی، آ. (۱۳۸۶). ارایه مدل ریاضی (بر مبنای تصمیم‌گیری چند معیاره) و نرم افزار برای کمک به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب همسر. *پژوهش زنان*، ۲(۵)، ۸۰-۵۷.
- ذهبی، ع.، عالی‌نژاد، م.، و فرهمند، م. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین جهان - محلی شدن با فردگرایی و جمع‌گرایی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه یزد). *مطالعات میان فرهنگی*، ۱۱(۳۰)، ۱۴۷-۱۱۹.
- رفاهی، ژ.، گودرزی، م.، و میرزایی چهارراهی، م. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان. *فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۹(۱)، ۱۳۵-۱۱۹.
- زاهدی، م.، و خضرنژاد، ع. (۱۳۹۲). نوسازی و فرایند تحول ارزش‌ها در حوزه خانواده. بررسی نمونه‌ای دگرگونی ارزش‌های خانوادگی در شهر بوکان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۱)، ۹۷-۶۸.
- سادات مستقیمی، م. (۱۳۸۴). دو سویگی عشق و ازدواج. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۷(۱)، ۲۵۶-۲۲۸.
- شریفی درآمدی، پ.، نیکنام، م.، و گیوه‌چی، ا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه کمال‌گرایی مادران و دختران: پدیده انتقال بین نسلی. *خانواده‌پژوهی*، ۷(۴)، ۴۹۴-۴۸۰.
- شجاعی جشقانی، ر.، احمدی، س.ا.، جزایری، ر.، و اعتمادی، ع. (۱۳۹۶). شناسایی و مقایسه آسیب‌های برآمده از فضای مجازی در ارتباط بین زوجین (مطالعه موری در شهر اصفهان). *خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۴)، ۵۶۸-۵۵۱.
- صادقی فسایی، س.، و شریفی‌ساعی، م. (۱۳۹۰). بازنمایی ازدواج در سریال‌های تلویزیونی (تحلیل نشانه‌شناختی پنج سریال پربیننده در دو دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰). *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۷(۲۲)، ۹۱-۶۷.
- صدرا، ع.، و قنبری، ع. (۱۳۸۷). *ارزش‌های حاکم بر جامعه ایرانی*. تهران: کمیل.
- صنعتی شرقی، ن.، و رستم زاده، م. (۱۳۹۵). مطالعه به روش رویش نظری درباره معیارهای همسرگزینی. *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۰(۳)، ۵۴-۳۱.
- عبدالملکی، م.، اعظم‌آزاده، م.، و قاضی‌نژاد، م. (۱۳۹۴). رابطه استفاده از رسانه‌های جهانی و بازاندیشی مدرن با گرایش به روابط فرازناشویی در بین زوجین شهر قروه. *خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۳)، ۳۳۲-۳۰۹.
- عظیمی‌هاشمی، م.، اعظم‌کاری، ف.، بیگناه، م.، و رضامنش، ف. (۱۳۹۴). ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج؛ مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های استان خراسان رضوی. *راهبرد فرهنگ*، ۸(۲۹)، ۲۱۲-۱۷۹.
- فلیک، ا. (۲۰۱۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه ه. جلیلی (۱۳۹۲). تهران: نشر نی.
- کاظمی‌پور، ش. (۱۳۸۸). سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن با تاکید بر ازدواج دانشجویی. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۳(۲)، ۹۵-۷۶.
- کلمن، ج. (۱۹۹۸). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه م. صبوری (۱۳۷۷). تهران: نشر نی.
- مدیری، ف.، و مهدوی، م. (۱۳۹۴). ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در شهر تهران. *خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۳)، ۲۸۱-۲۹۶.
- مهدوی، م.، و مشیدی، ش. (۱۳۸۹). تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۲(۴)، ۶۵-۲۵.
- موحد، م.، و عباسی شوازی، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین شخصی دو جنس پیش از ازدواج. *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان*، ۴(۱)، ۶۷-۹۹.

نوغانی دخت‌بهمنی، م.، صدیق اورعی، غ.، و سالار، ع. (۱۳۹۲). شبکه اجتماعی همسرگزینی و تاثیر آن بر رضایت از زندگی زناشویی در بین مردان متأهل. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۴۹(۱)، ۳۶-۱۷.

هوفسند، گ. (۲۰۰۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها، برنامه‌ریزی ذهن*. ترجمه ع.ا. فرهنگی و ا. کاوسی (۱۳۸۷). تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- Abdolmaleki, M., Azam Azadeh, M., & Ghazinejad, M. (2015). [The Relationship of Global Media, Modern Reflexivity and Tendency to Extramarital Relationship among Married Couples of Qorveh City]. *Journal of family research*, 11(3), 309-323 [in Persian].
- Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of Marital Quality in an Arranged Marriage Society. *Social science research*, 42(1), 59-70.
- Apostolou, M. (2007). Sexual Selection under Parental Choice: The Role of Parents in the Evolution of Human Mating. *Evolution and human behavior*, 28(6), 403-409.
- Asgharpour Masouleh, A., Kermani, M., & Baradaran Kashani, Z. (2017). [Phenomenology of Spouse Selection of Young Woman in Mashhad]. *woman in culture and art*, 9 (1) , 49-71 [in Persian].
- Azad Armaki, T., & Khazaei, T. (2000). [A Survey of Social and Cultural Developments During Three Generations of the Tehrani family: Emphasizing Comparison of Ceremony, Mores and Support Functions]. *Journal of social sciences letter*, 16(16), 3-29 [in Persian].
- Azam Azadeh, M., & Tavakoli, E. (2007). [Individualism, Collectivism and Religiosity]. *Cultural and communication studies*, 3(9), 101-125 [in Persian].
- Azimi Hashemi, M., Azamlari, F., Bigonah, m., & Rezamanesh, F. (2015). [Values, Attitudes and Models of the Youth Actions in Choosing Spouses and Premarital Relations; Case of Study: Students of Universities of khorasan razavi province]. *Journal of management system*, 8 (29), 309-323 [in Persian].
- Bernardes, J. (1997). Introduction to Family Studies (H. ghazian Trans.). Tehran: Ney Publications [in Persian].
- Charmaz, K., & Henwood, K. (2007). *Grounded theory in psychology*. In *handbook of qualitative research in psychology*. London: sage.
- Charmaz, K., & Liska, L. (2015). Grounded theory. In G. Ritzer(Ed.), *The blackwell encyclopedia of sociology*. New York: Wiley Global Education.
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Panaghi, L., & Sadeghi, M. (2014). [Comparison of Relationship with In-laws in Iranian Married Women and Men]. *Journal of family research*, 11 (1), 7-32 [in Persian].
- Cheraghi, M., Mazaheri, M. A., Mootabi, F., Panaghi, L., Sadeghi, M., & Salmani, Kh. (2017). [Family Triad Systemic Scale: An Instrument for Assessment of Relationships between Couple and Families of Origin]. *journal of family research*, 13 (3), 343-360 [in Persian].
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. London: Sage.
- Corbin, M., & Strauss, A. (2013). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (E. Afshar Trans.). Tehran: Ney Publications [in Persian].

- Courtioux, P., & Lignon, V. (2016). A Good Career or A Good Marriage: The Returns of Higher Education in France. *Economic Modelling*, 57(1), 221-237.
- Eftekhazadeh, Z. (2015). [Experience of women in early marriage]. *Social work research*, 1(3), 109-156 [in Persian].
- Flick, U. (2010). An Introduction to qualitative research (H. Jalili Trans.). Tehran: Ney Publications [in Persian].
- Fu, X. (2006). Impact of Socioeconomic Status on Inter-Racial Mate Selection and Divorce. *The Social Science Journal*, 43(2), 239-258.
- Furnham, A. (2009). Sex Differences in Mate Selection Preferences. *Personality and individual differences*, 47(4), 262-267.
- Ghimire, D. J., Axinn, W. G., Yabiku, S. T., & Thornton, A. (2006). Social change, premarital nonfamily experience, and spouse choice in an arranged marriage society. *American Journal of Sociology*, 111(4), 1181-1218.
- Haleh, H., Makoie, A., Dabghi, A., & Monirfar, H. (2007). [Presenting a Mathematical Model (Based on Multi-Criteria Decision Making) and Software to Help Decide on the Choice of Spouse]. *Women in development and politics (women's research)*, 5(2), 57-80 [in Persian].
- Hofstede, G. (2008). *Cultures and organizations, software of the mind* (A. A. Farhangi & E. Kavousi Trans.). Tehran: institute for strategic research [in Persian].
- Iman, M. (2009). *Basics Paradigmatic of Qualitative and Quantitative Research Methods in the Humanities*. Quom: research institute of hawzah & university [in Persian].
- Janadleh, E., & Rahnema, M. (2014). [Change in Conventional Pattern of Iranian Family (secondary analysis of national data)]. *Journal of family research*, 10(3). 277-296 [in Persian].
- Kazemipour, Sh. (2009). [Measurement the Attitude of Youth toward Marriage and Recognizing its Effects and Consequences with Emphasis on Student Marriage]. *Iranian Journal of culture in the Islamic university*, 13(2), 76-95 [in Persian].
- Kelman, J. (1998). *Foundations of social theory* (M. Sabori Trans.). Tehran: Ney Publications [in Persian].
- Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status, and culture. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(2), 155-168.
- Mahdavi, M. S., & Moshayedi, Sh. (2010). [The Transformation of Wife Choosing Criteria among the Youth as Opposed to their Parents with the Separation of Class Origins]. *Iranian Social Development Studies*, 2 (4), 25-65 [in Persian].
- McCrae, R. R., Willemsen, G., & Boomsma, D. I. (2012). Are Parental Personality Traits a Basis for Mate Selection?. *Journal of Research in Personality*, 46(4), 455-457.
- Modiri, F., & Mahdavi, M. S. (2015). [Postmodern Family Values in Tehran]. *Journal of Family Research*, 11 (3), 281-296 [in Persian].
- Movahhed, M., & Abbas Shavazi, M. T. (2006). [Traditional and Modern Values among Girls Residing in Shiraz]. *Quarterly journal of womans studies sociological and psychological*, 4 (1), 67-99 [in Persian].
- Noghani, M., Sedigh Oraei, G., & Salar, A. (2013). [Social Network of Mate Selection and Marital Satisfaction among the Married Men]. *Journal of applied sociology*, 24 (1), 17-36 [in Persian].

- Panaghi, L., Zadeh Mohammadi, E., Bagherian, F., Pakdaman, Sh., Ahmadabadi, Z., & Mohammadi, S. (2016). [Exploring Health models of Iranian family: a qualitative study]. *Journal of family research*, 12 (2), 179-196 [in Persian].
- Refaaee, J., Goodarzi, M., & Mirzaei Chaharrahi, M. (2012). [Investigating the Factors Affecting the Formation of Premarital Friendship between Girls and Boys from the Students' Perspective]. *Journal of Women and Society*, 9 (1), 119-135 [in Persian].
- Sadat Mostaghimi, M. (2005). [Two-ways Love and Marriage]. *Woman strategic studies*, 27(1), 228-256 [in Persian].
- Sadeghi-Fasaei, S., & Sharifi Saei, M. (2011). [Representation of Marriage in the t.v Serials: A Semeiological Study on Five High Popular Iranian Serials in 1990s and 2000s]. *Journal of cultural studies communication*, 7(22), 67-91 [in Persian].
- Sadra, E., & Ghanbari, E. (2008). [Values Ruling Over on Iranian society]. Tehran: Komeil [in Persian].
- Samani, S. (2007). Important criteria for spouse selection in a sample of Iranian youth. *Psychological reports*, 100(1), 59-65.
- Samani, S., & Ryan, B. A. (2008). Spouse Selection: Important Criteria and Age Preferences of an Iranian Sample. *Psychological reports*, 103(2), 535-544.
- Sanati-Sharghi, N., & Rostam-Zadeh, M. (2016). [A Study on Marriage Criteria by Grounded Theory Strategy]. *Social & Cultural Studies of Khorasan*, 10(3), 31-54 [in Persian].
- Sharifi Daramadi, P., Niknam, M., & Givehchi, E. (2011). [The Relationship between Mother-Daughter Perfectionism: the Intergenerational Transition]. *Journal of Family research*, 7 (4). 480-494 [in Persian].
- Shiloh, S., & Shenhav-Sheffer, M. (2004). Structure of Difficulties in Mate-Selection Decisions and its Relationship to Rational and Intuitive Cognitive Styles. *Personality and individual differences*, 37(2), 259-273.
- Shojaei Jeshvaghani, R., Ahmadi, A., Jazayeri, R., & Etemadi, O. (2017). [Identifying and Comparing of Cyberspace-Induced Damages in Marital Relationship (Case Study in Isfahan City)]. *Journal of Family research*, 13(4), 551-568 [in Persian].
- Tsay, R. M., & Wu, L. H. (2006). Marrying Someone from an Outside Group: An Analysis of Boundary-Crossing Marriages in Taiwan. *Current Sociology*, 54(2), 165-186.
- Zahabi, E., Aali nejad, M., & Farahmand, M. (2016). [Investigating the Relationship between Globalization and Localization with Individualism and Collectivism (A case study of yazd university students)]. *Quarterly journal of intercultural studies*, 11 (30), 119-147 [in Persian].
- Zahedi, M., & khezrnejad, A. (2013). [Renovation and the Process of Evolution of Values in the Family" (Survey of the Sample of Change in Family Values in Boukan)]. *Iranian sociological association*, 14 (1), 68-97 [in Persian].